پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۱۲۹ـ۱۴۱ (مقاله پژوهشی)

No. 41, Autumn & Winter 2020/2021

بررسی و تحلیل تقدم یا تاخر حکومت دینی نسبت به جامعه دینی

زینب روحی یزدی[۱]، عباس همامی[۲]، سوسن آل‌رسول[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱/۲۰ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۱۶)

چکیده

با استنباط از آیات و روایات شاهد شکل‌گیری اصطلاحاتی همچون حکومت دینی و جامعه دینی هستیم. در این بحث از بین دانشمندان اسلامی عده‌ای قائل به تقدم حکومت دینی بر جامعه دینی شده‌اند. که عمده دلایل آنها عبارتند از: ضرورت تشکیل حکومت دینی به جهت سهولت در تربیت دینی مردم و در نتیجه آن تامین امنیت، توسعه و عمران، گسترش نظام تعلیم و تربیت اسلامی. این عده، از آیات و روایات ادله‌ای بر تقدم حکومت دینی نسبت به جامعه دینی اقامه می‌کنند. در مقابل این افراد، گروهی قرار دارند که تشکیل حکومت دینی را نتیجه شکل‌گیری و هویت کامل جامعه‌ی دینی می‌دانند. این عده نیز به دسته‌ای دیگر از آیات و روایات استدلال می‌کنند که در آنها بر تقدم جامعه دینی نسبت به حکومت دینی تاکید شده است. در مقاله حاضر به بررسی دو دیدگاه پرداخته شده است و نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که تقدم حکومت دینی نسبت به جامعه دینی و یا عکس آن، موضوعی اختلافی و جدلی از طرفین است که هیچ یک نسبت به دیگری به صورت اطلاق، اولویت نداشته بلکه هر کدام نسبت به دیگری با توجه به ادله قرآنی و روایی به شکل نسبی قابل دفاع است.

کلید واژه‌ها: حکومت، حکومت دینی، جامعه دینی، حاکم، مردم.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
Z.roohi33@gmail.com
۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول مشترک)؛
info@hemamia.ir
۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول مشترک)؛
s_alerasoul@kiau.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

۱- مقدمه

یکی از مسائلی که از دیرباز تا کنون مورد بحث بوده باز تعریف حکومت دینی و جامعه دینی و نیز بحث تقدم یا تاخر هر یک نسبت به دیگری است. این موضوع را نه تنها علما و دانشمندان در گفتمان‌های علمی بررسی کرده، بلکه توده مردم نیز با مفهوم سطحی آن آشنا هستند و به لحاظ ابعاد گسترده‌ای که دارد آن را مورد بحث قرار می‌دهند. در عین حال مفهوم اصلی آن برای عموم مردم کاملاً روشن نیست به این دلیل که هر یک از طرفداران تشکیل جامعه دینی یا حکومت دینی در تقدم یا تاخر آن دلایلی دارند و این می‌رساند که هنوز برای این موضوع جای بحث و بررسی وجود دارد.

یکی از دلایل اهمیت این بحث یعنی روشن شدن تقدم یا تاخر حکومت دینی بر جامعه دینی آن است که با روشن شدن این موضوع برنامه‌ریزی رهبران سیاسی و یا دینی جامعه تحت تاثیر این تقدم و یا تاخر قرار گرفته و جهت‌گیری اداره جامعه متفاوت می‌گردد. همچنین بحث تقدم یا تأخر حکومت دینی بر جامعه دینی می‌تواند، تفرقه و تشتت را به وحدت و انسجام، کینه توزی و دشمنی را به دوستی و همدلی و ضعف و ناتوانی را به قوت و قدرت مبدل سازد؛ دلیل انتخاب این موضوع آن است که در مجموع تعداد کمی از دانشمندان اسلامی به این موضوع پرداخته و در بین آنان برخی قایل به تقدم جامعه دینی بر حکومت دینی شده‌اند و برخی دیگر قایل به تقدم حکومت دینی بر جامعه دینی هستند و البته هر کدام تلاش کرده‌اند با ذکر دلایلی نظریه‌ی خود را به اثبات رسانند که در ادامه به اختصار به ذکر دلایل هر گروه و بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲- بیان مساله

در این مقاله به بحث تقدم یا تاخر حکومت دینی بر جامعه دینی پرداخته می شود و نگارنده گان به دنبال پاسخ به این سوال هستند که آیا نخست باید حکومت دینی تشکیل شود و مقدمه‌ای برای جامعه دینی گردد یا اینکه جامعه دینی بر حکومت دینی تقدم دارد؟

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

به عبارت دیگر در جامعه دینی روابط اجتماعی انسان‌ها براساس دین است و دین تنها در سایه حکومت دینی ممکن می‌شود؟ یا اینکه اولاً باید افراد و جامعه به تفکر و نظام دینی معتقد شوند و برای عمل به آن تلاش کنند و در نهایت حکومت دینی تشکیل گردد.

در این نگارش تلاش شده به آرای صاحبنظران اسلامی مراجعه شود و دلایل هر یک از طرفداران تقدم یا تاخر حکومت دینی نسبت به جامعه دینی بررسی شود و نیز این نتیجه به دست آید این ادله تام و کافی به نظر می‌رسد یا در جای خود قابل نقد و انتقاد است.

۳- مفهوم شناسی اصطلاحات حکومت دینی و جامعه دینی

۳-۱. حکومت دینی

به گفته برخی از محققان: «حکومت عبارت است از مجموعه نهادهایی که در یک پیوند و ارتباط تعریف شده با یکدیگر، در یک سرزمین مشخص و بر اجتماع انسانیِ ساکن در آن، اعمال حاکمیت می‌کنند. گاه نیز حکومت به قدرت سیاسی منسجم و سازمان یافته‌ای که در شئون گوناگون اجتماعی تصمیم‌گیری و امر و نهی می‌کند، تعریف می‌شود» (واعظی، ۳۱-۳۲) بر اساس این تعریف، حکومت همه قوا اعم از مجریه، مقننه، قضائیه و قوای نظامی و انتظامی را شامل می‌شود (نک: عالم، ۱۴۴-۱۴۹).

حکومتی که مرجعیت همه جانبه دین خاصی را در عرصه حکومت و اداره جامعه پذیرفته است، حکومت دینی نام می‌گیرد. در این نظام دولت و نهادهای گوناگون آن خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهبی خاص متعهد می‌دانند و تلاش می‌کنند تا در تدابیر و تعلیمات و وضع قوانین و شیوه سلوک با مردم و نوع معیشت و تنظیم شکلهای روابط اجتماعی، دغدغه دین داشته باشند و در تمام شئون حکومتی از تعالیم دینی الهام گیرند و آنها را با دین هماهنگ سازند. براساس این تعریف حکومت دینی به دنبال تاسیس «جامعه دینی» است؛ یعنی می‌خواهد کلیه روابط اجتماعی را، اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و نظامی براساس آموزه‌های دینی شکل دهد. (تفصیل را نک: واعظی، ۲۸-۳۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

۳-۲. جامعه دینی

طبق برخی از تعاریف: «جامعه برگرفته از کلمه جامع به معنـای «گردآورنـده»، «فـراهم کننده»، «برهم افزاینده» و «دربرگیرنده» می‌باشد» (مصباح یزدی، ۲۱).

مطابق تعریفی دیگر: «جامعه، به وسیع‌ترین معنا، کل مناسـبات اجتمـاعی آدمیـان را در برمی‌گیرد؛ گاه نیز هر انبوهه‌ای از آدمیان را، فراتر از ارتباطات و مناسباتشان، کـه در یـک گروه بادوام و دارای نهاد و فرهنگ‌های ویژه به دور خود گرد آمده‌اند را شـامل مـی‌شـود. برخی نیز جامعه را به «مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سـنن و آداب و قـوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند؛ تعریف کرده‌اند. (مطهـری، ۱۸) طبعا جامعه دینی با تعاریف یاد شده از جامعه، عبارت از جامعه‌ای است کـه افـراد آن بـر پایه آداب و عقاید دین خاصی تربیت شده و در روابط فردی و اجتماعی ملزم بـه رعایـت ارزش‌های آن دین باشند.

٤- ادله قائلان تقدم حکومت دینی بر جامعه دینی

قائلان به تقدم حکومت دینی بر جامعه دینی با ایـن اسـتدلال کـه ۱- پیـامبران فقـط تذکردهنده و وسیله ارسال بینه از جانب خداوند بوده‌اند و ۲- هـدف حکومـت در جامعـه پاسداری از اخلاق و اندیشه‌های انسانی است؛ در این موضوع به بحـث پرداختـه و دلایـل خود را با استفاده از برخی آیات و روایات اقامه کرده‌انـد کـه در ادامـه بـه ذکـر آن‌هـا پرداخته می‌شود:

٤-۱. ادله قرآنی تقدم حکومت دینی بر جامعه دینی

براساس آیات قرآن، انسان دارای سرشتی پاک و خداجو اسـت و خـداباوری بـرای او امری فطری است در نتیجه وظیفه‌ی یک حکومت دینی آن است که شکل کـلان جامعـه را در روند صحیحی قرار دهد و زمینه‌های فساد اندیشه و انحراف عقیـده را از میـان بـردارد. حکومت باید به گونه‌ای عمل کند که زمینه‌ی شکوفا شدن استعداد عقلانـی جامعـه فـراهم

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

شود و تـوده‌ی مـردم مسـیر اندیشـه توحیـدی و اعتقـاد سـالم را بپیماینـد. آن‌گونـه کـه امیرالمؤمنین در علت بعثت انبیاء فرمود: «وَ یُثیروا لَهُم دفائن العقول» (سیدرضی خطبه، ۱۷) و این کار مهم انجام نمی‌گیرد مگر اینکه نخست حکومت تشکیل شده و سـپس بـه از بـین بردن فقر و فاصله‌ی طبقاتی و ایجاد امنیت و برقراری عدالت اقدام کند.

پیام آیه ۲۶ سوره ص توجه به تقدم حکومت دینی بر جامعه دینـی را نشـان مـی‌دهـد آنجا که می‌فرماید: «**یَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیفَهی فِی الْأَرْضِ فَاحْکُم بَیْنَ النَّاسِ بِـالْحَقِّ وَلَـا تَتَّبِعِ الْهَوَی فَیُضِلَّکَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِینَ یَضِلُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ لَهُـمْ عَـذَابٌ شَـدِیدٌ بِمَـا نَسُوا یَوْمَ الْحِسَابِ**» یعنی: ای داود به درستی که ما گردانیدیم تو را خلیفه و وکیل خـود در زمین پس حکم کن میان مردم به راستی، پیروی مکن هوسهای نفسانی خود را که تـو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خـدا گمـراه شـوند چـون روز حسـاب و قیامـت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت دچار خواهند شد.

در این آیه «مراد از خلیفه، قائم‌مقام پیامبر سـابق یـا بـه معنـای نماینـده و گماشـته‌ی خدای‌تعالی در تبلیغ احکام او به خلق است و هوی در لغت به معنی محبت و میل نفسـانی است. پس آیه مذکور دلالت می‌کند بر مشروعیت و وجوب حکم قضا میان مردم، بـه‌طـور خلاصه این نکته از آیه‌ی کریمه برداشت می‌گردد که: حکام و سلاطین عادل بـه نماینـدگی خداوند عمل کرده و محبوبین مقام احدیت هستند مشروط به این‌که مراعات قوانین عـدل و انصاف را نموده و براساس حق قضاوت نمایند. قضاوت در همه حالات باید تابع کتب الهی و دلایل عقلی باشد تا سبب نجات از گمراهی شود و آیه بر قضاوت به حق و دور از هوای نفس تاکید دارد: «فاحکُم بین النّاسِ بالحقّ و لاتتبع الهوی» (جرجانی، ۲۶/۲).

و نیز در آیه مورد بحث خدای تبارک و تعالی با آوردن «فاء» بر سر جمله: «فـاحکم بـین الناس بالحق» حکم به حق کردن را نتیجه و فرع آن خلافت قرار داده و ایـن خـود مؤیـد آن است که مراد از جعل خلافت این نیست که شأنیت خلافت به داوود عطاشده باشد بلکه مـراد این است که مقام خلافت او به فعلیت رسیده و عامل برقراری قسط و عدل در جامعه گردد و زمینه توفیق او حکمت و فصل الخطابی است که خداوند به او ارزانی داشـته اسـت، چنانکـه

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

فرمود: «وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَ فَصْلَ الْخِطَابِ» (سوره ص آیه ۲۰ و نیز نکـ : فخررازی۱۹۹/۲۶)

اما در آیه شریفه خطاب «لاتتبع الهوی» به داود بلا اشکال اسـت. زیـرا اینکـه خداونـد داود را امر کرد به اینکه به حق حکم کند و نهی فرمود از پیروی هوای نفس، تنبیهی اسـت برای دیگران یعنی هر کسی که سرپرست امور مردم شود باید در بین آنان به حق حکم کند و اینکه از پیروی باطل برحذر باشد وگرنه آن جناب بخاطر عصمتی که داشته هرگز جز به حق حکم ننموده و پیروی از باطل نمی‌کرده است. (طبرسی، جوامع الجامع، ۲۳۲/۵)

از رسول خدا (ص) روایت شده است که به امیرالمؤمنین (ع) فرمـود: «یـا علـی احکـم بالحق فان لکل حکم جائر سبعین درعا من النار... یعنی: یا علی حکم به حق کن زیرا برای هر حکم ناحق و جورآمیزی هفتاد زره و پوشش از آتش است.» (خسروی، ۳۰۹/۷)

اما استفاده‌ای که از این آیه در بحث تقدم حکومت دینی بر جامعه دینـی مـی شـود آن است که خداوند تدبیر امور بندگانش را به انبیاء سپرده است، تدبیر امور مردم حق خداست که به هرکس بخواهد واگذار می‌کند. و از آنجا که حکومت بر مردم نعمت بزرگی اسـت کـه شکر آن اجرای عدالت در میان مردم است، شایسته است که محور قضـاوت حـق باشـد و حاکمان جامعه از هوای نفس به دور باشند، در مدیریت حتّی المقدور نیروها را حفظ کنند، البته خداوند به خاطر یک ترک اولی اولیای خود را از گردونه‌ی اجتماع خـارج نمـی‌کنـد. ضمناً اگر این بحث مطرح شود که تعبیر: «فاحکم بین الناس» ناظر به قضاوت و داوری بین مردم است نه حکومت به معنای اداره امور آنان می‌توان گفت: قضاوت از شـئون حکومـت است و با محتوای نظام الهی مشروعیت پیدا می کنـد. نکتـه دیگـر آنکـه حکومـت دینـی سابقه‌ای بس طولانی دارد و رفتار خلیفه‌ی خدا باید پرتویی از افعال الهی باشـد هرچـه در برابر حق قرار گیرد هوی و هوس است. خطر قضاوت، دوری از حـق و توجـه بـه هـوای نفسانی است همه انسانها حتی انبیاء در معرض دام هوس هستند که از طریـق هشـدارهای الهی مصون می‌مانند.

این آیه کریمه به نوعی شرایط ولایت فقیه که حـدیث معـروف امـام صـادق(ع) بـه آن

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

اشاره دارد؛ را هم بیان می‌کند. امام صادق(ع) فرمود: «از فقیهان کسی که نفس خود را نگـه دارد و دین خود را محافظت کند و با هوای خویش مخالفت ورزد و از مولای خود فرمـان برد. پس بر عامه مردم ضروری است که از او تقلید کند» (کاشانی، ۹۲/۵ و ۹۰). در همین راستا علاوه بر آیات ناظر به خلافت حضرت داود می‌توان به آیات مربوط بـه حکومـت و ملک‌داری سلیمان، سیره حضرت یوسف در پذیرش مسئولیت امور اقتصادی جامعه مصر و وعده الهی در خلافت صالحان اشاره کرد (تفصیل را نکـ : سوره‌های ص، ۳۵ـ۴۰؛ یوسـف، ۵۵ـ۵۶؛ النور، ۵۵ و الانبیاء، ۱۰۵).

٤-۲. ادله روایی تقدم حکومت دینی بر جامعه ی دینی

در بعضی روایات هدف از بعثت پیامبر (ص) کامل کردن اخلاق پسـندیده اعـلام شـده است: چنانچه خود رسول خدا(ص) فرمود: «انما بُعثتُ لا تَمَّم مَکارمَ الا خلاقِ». (مجلسـی، ۳۸۲/۶۸؛ بیهقی، ۳۲۳/۱۰)

از این روایت می‌توان استفاده کرد که لازم است حکومت دینی مستقر باشد تـا اخـلاق در جامعه اجرا شود و فلسفه بعثت پیامبر(ص) هم تشکیل حکومـت و بسـط اخـلاق بـوده است در نتیجه حکومت دینی بر جامعه دینی مقدم خواهد بود.

در روایتی حنان بن سدیر صیرفی از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که پیامبراکرم(ص) در واپسین روزهای عمر خود مردم را به مسجد فـرا خوانـده و در جمـع مهـاجران خبـر نزدیک شدن وفات خود را به آنها داد، انگاه فرمود: به حاکم بعد از خود، توجه بـه خـدا را خاطرنشان می‌سازم تا اینکه: ۱- مبادا بر جماعت مسلمانان رحم نکند، ۲- باید حـاکم بـه بزرگان احترام، و به ضعیفان ترحم نماید، ۳- به عالم مسلمانان احترام شایان نمایـد و از او قدردانی کند، ۴- به مسلمانان زیان نرساند تا مبادا خوارشان کند، ۵- مسلمانان را فقیـر و نیازمند نسازد، تا موجب خروج آنها از دین گردد، ۶- در خانه خود را به روی مسـلمانان نبندد، از وضع آنها باخبر باشد تا مبادا توانمندان حق آنهـا را بخورنـد، ۷- در لشکرکشـی

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

آنها، بر آنها سخت نگیرد و به گونه‌ای که نسل امتم را قطع کند. ای مردم شاهد باشید که من وظیفه رسالت را ابلاغ کردم و خیرخواهی نمودم. امام صادق(ع) فرمود: این مطلب آخرین سخن پیامبر(ص) بالای منبر بود» (کلینی، ۴۰۶/۱).

با توجه به آنکه در این خطابه به رسول خدا(ص) وظایفی را به عهده‌ی حاکمان گذاشته که اجرای آن تربیت دینی جامعه را محقق می‌سازد می‌توان نتیجه گرفت که برقراری حکومت دینی مقدم بر شکل گیری تربیت دینی خواهد بود.

۵- ادله قائلان تقدم جامعه دینی نسبت به حکومت دینی

اما قائلان به تقدم جامعه دینی بر حکومت دینی بر این اصل تاکید دارند که تغییرات باید از پایین جامعه به بالا صورت پذیرد. این عده نیز جهت دیدگاه خود به آیات و روایات چندی استدلال کرده‌اند از جمله:

۵-۱. شواهد قرآنی تقدم جامعه دینی بر حکومت دینی

قرآن کریم در آیه ۲۵ سوره حدید می فرماید: «**لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ**، یعنی: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمان و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند پس آنکه او را ببینند، خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»

آنچه در مورد این آیه گفتنی است آنکه رسالت پیامبران، رسالتی کاملا هدایتی است و آنان با تکیه بر بینات (دلایل روشن) به هدایت مردم بر انگیخته می شوند و در این مسیر از "کتاب" به عنوان مجموعه‌ی قوانین و "میزان" به عنوان معیارهای سنجش حق از باطل بهره می‌گیرند و جامعه راهم با قوانین و معیارها آشنا می‌سازند به طوری که مردم با هدایت‌پذیری و قبول تربیت پیامبران، خودآگاهانه برپاکنندگان عدالت شوند «**لیقوم الناس**

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

بالقسط» و ظاهرا در مرحله اجرای عدالت استفاده از حدید به عنوان نماد قدرت و صلابت مومنان کارساز خواهد بود. در آیه شریفه نیز تعبیر «**و انزلنا الحدید**» که می‌تواند معرف قدرت نظامی می‌باشد به دنبال تربیت‌پذیری مردم و عزم آنان بر اقامه قسط و عدل آورده شده است. و این خود دلیل مهمی بر تقدم جامعه‌ی دینی بر حکومت دینی خواهد بود. (توضیح بیشتر در این زمینه را نک : گنابادی،۵۸۵/۱۳؛ حسینی شاه عبدالعظیمی،۴۵/۱۳)

مفسری دیگر در این خصوص می‌نویسد: «نکته جالب در جمله لیقوم الناس بالقسط این است که از خودجوشی مردم سخن می‌گوید، آیه نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسانها را وادار به اقامه قسط کنند بلکه می‌گوید: هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند. آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بپویند.» (تفصیل را نک : مکارم شیرازی، ۳۷۱/۲۳ تا ۳۷۶) این مفسر در ادامه می‌نویسد: پیامبران اهداف تربیتی دیگری هم داشته‌اند که از جمله آنها می‌توان به بسط تعلیم و تربیت (الجمعه، ۲)، شکستن غلها و زنجیرهای اسارت از دست و پای فکر مردم (الاعراف، ۱۵۷) و چنانکه قبلاً گذشت تکمیل ارزشهای اخلاقی اشاره کرد. (تفصیل را نک : همانجا).

۵-۲. شواهد روایی

در بسیاری از روایات، امامان معصوم (ع) اصحاب و شیعیان خود را دعوت به انجام کارهای خوب کرده‌اند. کارهایی مانند: امانت‌داری، راستگویی، وفای به عهد، ادای حقوق اجتماعی، تعاون و خیرخواهی و پرهیز از هرگونه ظلم و ستم و تجاوز به حقوق یکدیگر. این روایات در شرایطی صادر شده که امامان (ع) هیچ‌گونه قدرت و حاکمیتی نداشتند. اما مصمم به هدایت و تربیت مردم بودند تا از طریق بسط تربیت اجتماعی بتوانند در بلندمدت زمینه‌ی تحقق حاکمیت دینی را فراهم سازند. نکته قابل تامل آنکه امامان علیهم‌السلام به دلیل فقدان حاکمیت دینی در جامعه فرصت کارهای خیر را از دست نمی‌داده‌اند بین ایجاد جامعه‌ی دینی از طریق انجام کارهای خیر –حتی کارهای به ظاهر کوچک – و تلاش

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

جهت برقراری حاکمیت دینی منافاتی نمی‌دیده‌اند. چنانکه امام سجاد(ع) در نیمه‌های شب به سراغ فقیران می‌رفت و احسان خود را متوجه آنان می‌ساخت و این کار توسط امام‌علی(ع) و در دوره‌های خلافت آن حضرت نیز جاری بوده است.

در سیره امام سجاد (ع) آمده است که آن حضرت در زمینه تربیت دینی جامعه توجه خاصی به بهبود وضعیت فقرا و بردگان داشته‌اند. مثلاً در رسیدگی به وضع فقراء آن حضرت به مثابه: «**لَنْ تَنَالُوا الْبِرّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ**» (آل‌عمران، ۹۲) از انفاق اشیاء مورد علاقه و حتی لباسهای شخصی خود دریغ نمی‌کرد و به ویژه در اعطای صدقات خود در خلوت و به دور از چشم دیگران عمل می‌کرد و می‌فرمود: «صدقة السر تطفی غضب الرب» (المجمع العالمی لاهل البیت، ۳۲ به نقل از ابن شهر آشوب) یعنی صدقه سری آتش غضب پروردگار را خاموش می‌کند.

ابن عایشه از قول اهالی مدینه گفته است که آنها فقدان صدقات سری را متوجه نشدند مگر اینکه علی بن حسین از دنیا رفت. (همانجا) مورخان نوشته‌اند که اثر حمل بارهای کمک امام سجاد بر پشت آن حضرت نقش بسته بود (همانجا، ۳۳ به نقل از یعقوبی)

اما در خصوص برنامه امام سجاد در جذب و تربیت بردگان برخی از معاصران نوشته‌اند: «از جمله تلاشهای امام سجاد که جنبه دینی، سیاسی داشت توجه به قشری بود که از زمان خلیفه دوم به بعد مخصوصاً در عصر امویها مورد شدیدترین فشارهای اجتماعی بوده و از محرومترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه آن بودند. برده‌ها اعم از مرد و زن، ایرانی، رومی، مصری و سودانی، متحمل سخت‌ترین بیگاریها شده و از طرف صاحبان خود مورد زشت‌ترین اهانتها قرار می‌گرفتند. اما امام سجاد همانند امیرالمؤمنین ـ که با برخورد اسلامی خویش بخشی از موالی عراق را به سوی خود جذب کرد ـ می‌کوشید تا حیثیت اجتماعی این قشر را بالا ببرد» (جعفریان، ۱۹۲) در این مسیر امام سجاد معمولاً به خرید بردگان، تربیت اخلاقی و معنوی و سپس آزادی آنها مبادرت می‌ورزید. این برنامه در طول سال از سوی امام سجاد(ع) دنبال می‌شد و به ویژه در پایان ماه رمضان هر سال

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

عده زیادی از آنها را آزاد می‌کرد و پس از آزادی اموالی در اختیار آنـان قـرار مـی‌داد تـا بتوانند به زندگانی خود ادامه دهند (همانجا به نقل از اعیان الشیعه).

لذا در شرایطی که در دوران امام سجاد (ع) با توجه به استقرار نظام ظالمانه بنی‌امیه در جامعه خبری از استقرار حکومت دینی نبود، آن حضرت از تربیت مردم و بـه ویـژه اقشـار ضعیف و مستضعف در حد بردگان که البته آمادگی بهتری در قبـول تربیـت دینـی داشـتند، کوتاهی نمی‌کرد و این همان روشی است که رسول خدا(ص) در زندگانی خود به ویژه ایـام اقامت در مکه در جذب مستضعفان مکه و بردگان امثـال بـلال حبشـی اعمـال مـی‌نمـود. (تفصیل را نکـ : همانجا)

۶ـ ارزیابی دیدگاههای یاد شده در تقدم یا تأخر جامعه دینی نسبت به یکدیگر

از آنچه گذشت می‌توان گفت که موضوع تقدم حکومت دینی بر جامعه دینی و یا عکـس آن، یک موضوع اختلافی و جدلی‌الطرفین است و هر کدام از قائلان آن بـه رشـته‌ای از ادلـه تمسک جسته‌اند مثلاً امام‌خمینی در کتاب ولایت فقیه خود نسبت به برپایی حکومـت دینـی اقامه دلیل کرده‌اند و معتقدند که تشکیل حکومت اسلامی زمینه‌سـاز مناسـب جهـت اجـرای احکام و مقررات اسلامی خواهد بود و مشی و سیره پیامبر (ص) هم چنین بوده اسـت (همـو، ۲۶) ایشان همچنین تسریع می‌کنند که با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم کـه اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دسـتگاه عظـیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه‌ی اجرای احکام الهی عمل کرد. (همانجا، ۳۰)

امام‌خمینی با همین تفکر حفظ حکومت دینی را هم از اوجب واجبات دانسته‌اند که این نظـر ایشان مطلب معروفی است. (نکـ : همو مواضع مختلف صحیفه نور) در صورتی که عده دیگـر از متفکران و مفسران از جمله سیدقطب در تفسیر فی‌ظلال القرآن تربیت مردم و ایجاد آمـادگی در آنها جهت تشکیل حکومت دینی را مقدم دانسته‌اند. (نکـ : همو ذیل آیه ۲۵ سوره حدید).

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

نتایج مقاله

بحث تقدم حکومت دینی بر جامعه دینی و یا عکس آن، بحثی درون دینی است که متفکران مسلمان و به ویژه مفسران هر کدام بر مبنای استناد به دسته‌ای از آیات و روایات به آن پرداخته و به نتایجی رسیده‌اند. به طوری که نمی‌توان به شکل قاطع و مطلق از تقدم یا تاخر هر یک به دیگری پرده‌برداری کرد و به نظر می‌رسد که تشکیل حکومت دینی و نقش آن در تربیت دینی مردم و یا تربیت مردم و آماده‌سازی آنان جهت تشکیل حکومت دینی هر یک توجیهات درستی دارد که به تناسب شرایط و امکانات می‌توان از آن بهره‌برداری کرد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم با ترجمه محمد آیتی.

۲. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ هـ‍ق.

۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، جاویدان، تهران، ۱۳۲۴ ش .

۴. جرجانی، عبدالقادر بن عبدالرحمان، آیات الاحکام، نوید، تهران، ۱۳۶۲ ش.

۵. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ هـ ش.

۶. حائری یزدی، مهدی، مقاله حکمت و حکومت، مجله حکومت اسلامی، ش ۱، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.

۷. حرعاملی، محمد بن حسن، رسائل الشیعه، ناس، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثناعشری، بی‌جا، تهران، ۱۳۹۴ ش.

۹. خمینی، امام روح‌الله، ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.

۱۰. همو، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.

۱۱. خسروی، علیرضا، تفسیر خسروی، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ش.

۱۲. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، بی‌جا، بی‌تا.

۱۳. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، به ترجمه محمد دشتی، قم، ,۱۳۷۸

۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن کریم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، بی‌تا.

۱۵. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۶. همو، تفسیر جوامع الجامع، ناصرخسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۷. عالم، عبدالرحیم، بنیادهای علم سیاست، نشر نی، ۱۳۹۸.

۱۸. کاشانی، فتح الله، تفسیر خلاصه المنهج الصادقین، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۱۹. همو، منهج الصادقین، کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ ش.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، کتابفروشی علمیه اسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ ش.

۲۱. گنابادی، محمد، بیان السعاده فی مقامات العباده، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش.

۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ناشر: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۱.

۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ‍ق.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ‍ش.

۲۵. المجمع العلمی لاهل البیت، اعلام الهدایه، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البیت، الطبعة الثانیه، ۱۴۲۵ هـ‍ق.

۲۶. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.

۲۷. نیشابوری، مسلم بن الحجاج (صحیح مسلم)، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.

۲۸. واعظی احمد، حکومت اسلامی، ناشر: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۳۸۵.

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]

[Downloaded from pdmag.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1399.20.41.6.7]